

شاعر ایرانی

مناظری از اروپای لگد مال شده

دستگاه روح فلک های درت

۱۸۵ موایعی آلمانی ناپدش

کاشت هر و گا و لزیزی را کشت تخت چند گردید
چون مو بیهی آشیان را رسید گوئ که
و سرمه هولی سرخ هم مده خلی
نهست داد
اگون سب اندکی باید بود و داده و
گنجایی آدم را در آن بجای یوست
بسیار میکشد
مشکل چنان که خرگزاری
اکسیس اصلاح میمهد اهلاء اصلی
از این اصلاحات شورودی که مطران نیه
شش اشتر راهه متر از آنکه
در بضم لامه بیرون هولی شورودی
بیرون یعنی و چهار مه کامپانی
آدم را همراه مساهه و پیچ در حصار
کرد است.
هوا یاهی شورودی هم آشیان
از نوچهده صحرائی دشمن را از نکار
انداخته و سه ایوانه همراه را خراب
کرد و یکی کنی مخصوص حل و
خل و هجون یک کنی همکوی گشت
واخن گردد اند و چلو بیرونی پیکه
نهض دشمن را منع کرد اند
در قصیق واقع در شال و دروریک
نیک شورودی چوچان توب سکن را
خراب کرده و دوست نیز آنایها
را گشت است.
یک واحد از ایوانکهای شورودی
سه تالک و دوازده بوب وسی داده
و اگون مخواری همکوی دشمن و دامنه
ساخت و همچه و نهشت از آنایها
گشت است

جزر مدحنا جی سے موادیں پڑھیں
گرد و ہدی را کی تو ایک امور اپنی
برقرار ساختہ ہوئے
لارڈ کرنل کو اپنی لائکسنس ملاعے
میندہ سوچ سری کے از برسے
اسٹ پارٹیاں ہی تزویر اور خدمتی
آئانی کے از جھے دوستہ مانے ہیں
تمہارے دوستہ عہدی دوستہ ملکی
تمہاروں نہ کر کے از ملکی
بھی گو کو پیروں کی اخراجی برداشت
ہا پریت ہو یعنی دشمنوں کا پرداخت
ہنا ایسا ہے طبقی امندھر
یونہ است ہر دوی اور یک تمسیح
منہے خاطر شان ہے کہ اپنے ایسا
کائن سبزی از ریشکن کیکو ہے
تصریح ہو یعنی دشمنوں کا پویل کیوں نہ
تھا کہ اپنے خاتمہ کی خود روا اپنے
آئانی کا لامعہ ہے کہ اسے پیک
از یوں ایک شاخوں ایک آنے پر
عمر کے چوراوش نہ مل سکے
ایک اگر کوہن عرف مود کی کارتوں
پر لگکی فوجیں سویں ہے ملکی
کلکی فوجیں سویں ہے ملکی
کلکی فوجیں سویں ہے ملکی
کلکی فوجیں سویں ہے ملکی

اکتوبر چشم های باریسوی زبان منتر کر
نذر و بوب خاوری شورستان مو بعده ایان
سوزن وارد هم توارو - برو یون از
سوزن جوانی کوششان (اینها) سرگ
کرده و در اوائل ماه میلاد شده عقابی
پیر داشت (وهاتک می) و این درست
و زین خود را شدید (کیپ کیک)
و آنکه شدید (کیپ کیک) نظر از جمل
پاشتری میان شهزاده ای اصر کردند
شیروی شکست خورد (این سی خود
کیپ کیک) شد و اهداف از پایه (ویک)
علت شدند اما

بجواه کیک های خود گزاری ایشان
خیر می بدم ساخته جانه میون اول می
دوست و ازی دوست و سی میل می
شورستان (سوی وان) و شهرستان
(بکیا) واقع در شمال چین چاپان
رسانید اکتوبر میکن است این امراء
دو هر سه دو زن بودند از استاد
پیغمبر (جوه اهلی شد) چون کیک
سر شماری خواهند شد تا بنوان آنها
که ای خواهند شد

با خوش شنید
و زور شنیده بیک سه امکان سپاه کشید
خند اگشکش پر بار میکرد آنها را
دید در صحراء و در آزاده و کوه های گران
این هزار اسرا که دادند و داده اند از گرده
نهنج و ساله بخود گشمه ایشان بار
گردانید
فاهره - بخرا اطمینان خود گردانید
اینکیس پس از دو روز و فوجه مجداد
از زور شنیده در کایه هفت وزیران
مرح میانیت شروع شد است.
علی حسین پاشا نصافت ولایت مصر
حضور اهلیحضرت مند هارون سار
پادشاه و فوجه امیر اسرار پرسنده ماس
و سرت شورای وزیران چله شکل
و سرت اوضاع خود را میگرداند
داده و اوضاع خود را میگرداند و در وزارت
و مطابق فاراز داده و در وزارت
دفعه میان شاگردات مفضلی میان وزیر
چلت و وائس سفارداش مهر بار ایشان
هزت خانی ایکس و سایر وزاری
وزیر محل آمد.
ایمن شاه با شاوریه موئی العاده
در شورای وزیران و افسر و مادر
از بساط سپاهی میان سعادت ایکس
و دو قدر مهر بخود بروزگاهه نکاران
چین اطمینان داشت اس.
فاهره - چنانکه خبر گزاری
کلکلی املاع میدهد و ایامی دیگر
غافریت کرد هوابای خوش را
شامل سرایان مسحور و ایامه
گردیده بودند هصر دوز رشته بر قایه
کشندگانی کوچک دشن که در سرول
گردانید افریقی شالی در ۵ میلی از ریا
مرکت میگردید سهله برده اند.
اعلام - وارد هوابای سپاه کشید
که کی کی از این کشندگانی کوچک
که ای کله کله در چه سرمه سواوح شد
و همه کشندگانی از قایه ای از آسم دیده
اند و از این کشندگانی که کی ای انتشار
بیک شده و ای تیرساک که شده اند

نخیر زاین

چیزها دهستان پش بیرون

والمكتن - شیخ
اصلاح میمداد بایه متده
های امر کسکانستادیوری
دو چون اعلام داشت همه
زور درور نیم ملوم
لست کوده راهات نبرد
جهتیات کن که در او راه
اسن و زایران پیش از
خوبیکاری و حل
هر کسکا پیش از این
میگواردند - مکن اس
امروزی بقدر قوت
موالی زاین تابوده
بدینظر سپاهی
اینک بشدت بس

سر لشکر سرگی اینکر

دو هیمه فرمانده سپاهان
چکوستوا اکنی تخت فرماده ایشان ایشان
دوش سروش طبله ملکه که آفرید از ایشان
و اسفلات ملکه ملطفه ایشان از این راه
که بین خود خواره شدند، فدران ایشان
نهاد کرد و دیده «بدهما جیش شارق
من حکم کنم»
رس از شکست فرمانده، تیران
اسکن و اسد های چکوستوا اکنی که را
فرمانده بر پیشان اقبال نمودند و
ملکات و آتشان آواره هوند
چکی زدات هر قدر ایشان را تحمل گردند
سر اسکن ایشان سلا در هشت
دوش چکوستوا اکنی مقیم شدند و
وزارت دفاع ملی را بهمه دار گردند
و بیرون چکوستوا اکنی که در هر
روزه و خواره شاهزاده ملکه ایشان را
خود و والزار ادا شده و قدر مخصوص
طريق شاه مهمن و ایشان گردند
فرماندهی اشان اداره می شدند
سر اسکن ایشان اداره می شدند
چنان شاهی و ایشان را در گرفتن داشتند
با این همه ایشان را خواست

اسرار جنک آلمان

اگر مسلمانوں کی آنکھ را لوئیں
مریل ہائیم بخون شک درخواست کر
بایوں نکاری اور غم خواہم دش کے
کنکٹ آن پریز سسی موسی مصطفیٰ رسول
اگر مسلمانوں کو خوبی و ناصہ سے رار
نقدت آنکھ باندھ سس جہ جہوت ہر
بوروں کے زور و میتھم کے برواد اپنی
سری سرخ و گلکی سبز سبز فرشتے
اکابر اندر مخصوص مشود پاہنچا کر
اکابر زیر پر اپنے پاؤں و کھنڈیوں کی کند
کارپور اسی اسکل کر درخواست کر
این گھنے وہ شہزادی صاف و
آنکھ کر دینے کی ایسا اورہ عالمان
جسکے اکونوں در پخت کوہنی ای
ایسا کوہنی کی رہا پہن کیوں کوہنی ای
معن کارن والیں سعید شہزادہ بنے
میکر شوری چہ میلیں سر
میلوں کی کوہنی کے کوہنے اگر کہا
سرعت پیشہ کرنے آنکھ بروط ہر
قہمانی کی جی اسکے رکار کی
کوہنے کی پاہنچے کوہنے کے مانگے
لذتیں اسکے کلکے اسکے لیے
کہ اعلیٰ کی ایں ایں درست ط
کوہنے کی پاہنچے کوہنے کے
وہیں اپنے وہیں کوہنے کے
آخر سعید اور سرخ یا ایسا
کوہنے کے مانگے

صرفه جوئی کر اداره

پیش از
باقیه وارد آزاده پست شدم می
خواستم روزانه نام و نام خانواده
شنبه هایی را که آنروز سرگرد می
کرد و میتواند بعدها گرفته بود
و از هر از طرف پیش معرفت پاره هست
و زبان تپس خوب است چنانچه
اما همچنانکه ششم پشت باشند خود را
باهم آمدند شناسی گیریده و باش و شه
باش گذاشتند که این اسلام باش
در هر طرف میز داشتند هر اینجا
و پنهان و مهد است یکم میگردند
دست و هر یکی از دو اینجا در
کردن کلیدها برداشتم اما در هر چند
چنان قلعه بود اینجا از هر دوست
دوستی میگردند که اینجا هر چند
آن چهار دوران که در چهار سمت می
میگردند شده و شاهدند که داشتند
چهار دوران و سالمند آنها هم که دور
که اینستند و داشتند با آنچه بولی
و داشتند ایکوسه که دوران فرم و را
میگردند که باز هم نام بودند گذشتند
برخون مرغ هستند و زبان از سرمه دارند
و داشتند ایکوسه شکه شدند و شدند
چنان دلم را و اوی دوت فرم و گرد و
معضور که ایلاهی استکاری داشتند

تکف و شهای روزنامه مردم

سوانح آن دنیا که نکتارهای روز شیراز را برخراشتند	هدایت از عصیان
لول خدای خود را می خواست	گذشتگی و دادیش
چهل راه مضر اندونی	مذکور بیانی
دو رویی ساختگی شهرداری	* هردو شریف
محل مسجد سپاهیان	* علی اکبر شریع
خداوند راه	* علی اکبر شریع
چهل راه مضر اندونی	* علی اکبر شریع

آنچه مسلم است

فرآورده‌های فنی ایران همراه
خوب و مرغوب بوده
و مصرف گند کار با مردمه بشعبان
فت اگلیس و ایران در تهران
و شهرستانها نیاز خود را منتفع می
سازند و دائزه‌فني شرکت در
مرکز پیوسته برای همه
گونه راهنمائی از نیازمندان
بذر ای منماند.

لذك كتب العالمة علي آغايان خواص
عدهم ملايين طبعات في مختلف لغات العالم
وهو سبط عاديين قدوة أشرف دار وآيو
گو راه راه و داشت آنکه آنکه ایشان
ایشان را بخوبی هدایت کردند "۱۰۰۰ هزار" (۱۰۰۰ هزار)
نهادت آنکه چونی در زمانی (۲۷) هزار
میهن اسلامیه چنانچه چونی بوده که از این
آغاز در آن شهر ۹۵۰۰ هزار
سربازان سرخ راه اسری گردید است
فرایانجاها - یادا نیستی اتفاق ایشان گشته
که سربازان سرخ راه را خدا شاهد شده
و با اینکه اعلامه هنریخ جوان
"پیشگوی" - قبول گشته راه سوسی
در این راه است که دستکاری شاشم
دراخ را که ایشان را همانی خاطق اندی
که اهلی خیر همانی خاطق اندی
راز و زن و چو و زری و گوچ و منون
امیر خطاب میگیرد که احمد مسعود
روزگار معلم خوارزمی بر این راه است
هر راه همچو طبقه ایشان را معلم خوارزمی
داریه اعظم نویں هنریخ سرخ راه
جی اسری و زری خواهد بود که در چشم
بیشتر از هزار هزار نیون اهل ایشان را
که حدیث نویم شوروری که موافق ایشان
بیوی سلطانی که داشتیم سر بر میزه با
اعلامه آغايان موافق است به این امر از
زیر یک بیشتر بیهودون از مردمه راه را
طب شوروری خواهی داشتیم که ایشان
تحت ظلم و شکنجه ایشان را معلم خوارزمی
و معلم اسری و زری که ایشان را
برای آغايان داشتیم بخوبی همانی
منهه روزگاری که حدیث نویم حدیث
امیر ایشان و لکه مال شده بخوبی همانی

محل مادود

مرحوم محمد سلامی جوان داشتند شرف که پدر کامیکی بخوده جوان گفت
و ناق خلاصه این بوده خاصه خواه فرهنگی و لایه ای ایسا، هی داشتری
هایی را که اندار کرده ایمچه از هماری خود که گشاده شدمی خالی رو بینه
و دست برخیانی خوان شکنی ای و گلکار با مردم گی گشته +
جامعه ایساه های داشتری هایی روز و چهارشنبه ۱۴ بهمن ایساه های مدارس زیر نام
ساخت آورده ایم در زمان داشتری هایی بین یادان گشته خود رسیده سالی و بدان
بودی از اردی آنکه فرهنگیان سروکار و بیان ها خلاصه داری هاست های داشتری های
خواهد شد. جامعه ایساه های داشتری عالی

چهارمین دوره مسابقه های فهرمانی

هرمان امیرحضرت هاون شاهنشاهی چهارمین پدره مسنه های
فهرماز کشور زیر بطر احمد ملی تربت بدی و پیشتمکن امرات شروع
طراویدند ملاقه ای را برای نام نویسی و کسب اعلامات پیشتری پذیرخواهی احمد
واقع در دیشان شاهنشاهی رجوع سایه

جهوده از دیده شدند و همچنان که میگردید نیروی
حکومی کشته گشته اند و این امر محروم
هزاران سازمانی ای در ایران شده شود و
ناصر و توفیق

ایلات عرب و بامریکی که در ده سال
بوقات و فقری افتادند داشتند و نیز
رسوبه بخشنده طبقی و سریع می
رسروط آغاز شدند و نهاده شدند و بر این گرفتن
ایران و فرقه و شکر و پیش و پاچه که
از طرف آذیت مرتب بدریور غرض نداشتند
لشکر چهارم خواستند این موضع را مسدود نمایند
در زمان کوشش اولیه شاهزادی در پیش از این
شده با پسر ارشاد آنها کوپه و پر کر
از زیبایی گشته اند از این طریق فرماده گردیدند که
آنها و معنه نه طراحت اغراض نه
چنان و پارچه و ایاس اعطای نیست
آنها نسبت شد

و درود

از شهوار اخراج مددمه سه
آذی شاهزادین اخراج که بفرمان اولی
شهرستان شهوار مصوب شده اند
ش شه، وارد و از دریور صح در

4

مشغول شد
او ضاع و دشت
از رشت خبر بینهاد که از روز
۱۹ تیر در شهر هی اداره اصایی
رشت مشغول دادن برج ها اعلان می
باشد خبر دیگر هاکی است که آذینی
فرماندار رشت که رسمی نہاد را
و دیده باز گشته شوده است
از سرمه که شور سان چشم
بدهم که هواست اگرچه معمول

ان جلس آن معرفه بـ مدیر راه
الحسن شریعت‌داری بـ مدیر راهروی به
شهر در حوض ائمه هدایت
نهشت پیکار از چه هادر حوض بـ مدیر
می‌اصد چه دریگار که سایه آن بـ
را از حوض بـ دون سازد او هم
حوض ائمه هدایت و سه مشتری

را خرس بون ساره و میوه
 حوض انداده هر دو طرف و سه مشترک
رموز ممل
 چند اول گلب رموز ملن ترا
 آن سو تو زیره سبلان میان ساسکه
 ساری مطابق سوزدهن اشاعی از
 شارخ شد طالبین برای خرد بکار
 آن ساره و موج که
 بطوریکه اصلاح یافته ایم آنی
 ایوان لاله ایسی و پس ساق اداره
 پشت بقدورت هشتمدریه آنکه کمروری
 منصب شهاده هجین منصب
 خوشروی که سماقا منصب هشتمدریه
 باک کنواروی جوده آنه مستشار
 قی باک اختبار شد آنه
اواعض فارس
 بطوریکه از دیده فارس اصلاح بینده
 روز یافتنه که ترا و متندهان